

فهرست

شمارهٔ صغیر

عنوان

درس

عربی لاهم

۸	ذَاكَ هُوَ اللَّهُ	الدُّرُسُ الْأَوَّلُ
۳۷	لَمَوَاءٍ طَائِفَةٌ دَبَّةٌ	الدُّرُسُ الثَّانِي
۵۶	مَطَرُ السَّمَكِ - كَتَعَايُ شُ السَّمِي	الدُّرُسُ الثَّلَاثُ وَ الزَايِعُ
۸۵	هَذَا خَلَقَ اللَّهُ	الدُّرُسُ الْخَامِسُ
۱۱۰	ذُو الْأَقْوِينَ	الدُّرُسُ السَّادِسُ
۱۳۲	يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ	الدُّرُسُ السَّابِعُ
۱۵۰	صِنَاعَةُ التَّلْمِيحِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ	الدُّرُسُ الثَّامِنُ

عربی پانهم

۱۶۹	مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ	الدُّرُسُ الْأَوَّلُ
۱۹۰	فِي مَخْضَةِ الرَّفِيعِ	الدُّرُسُ الثَّانِي
۲۱۰	عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ	الدُّرُسُ الثَّلَاثُ
۲۲۸	آدَابُ الْكَلَامِ	الدُّرُسُ الزَايِعُ
۲۴۶	لَا تُنَبِّ مِثْلُ لِكُلِّ نَمْرٍ	الدُّرُسُ الْخَامِسُ
۲۶۶	أَهْ مَارِي شِيْمَلِ	الدُّرُسُ السَّادِسُ
۲۸۵	أَثْبِيرُ اللَّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْفَرَنْسِيَّةِ	الدُّرُسُ السَّابِعُ
۳۰۶		پاسخنامه تشریحی
۴۴۳		پاسخنامه کلیدی

النَّزْهُ الْأَوَّلُ

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

اسْمُ التَّفْضِيلِ وَاسْمُ الْمَكَانِ

أوزان الأسماء

یاد گرفتیم که وزن اسم‌ها در ترجمه آن‌ها تأثیرگذار است و در همین رابطه با اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه آشنا شدیم که خلاصه آن در جدول زیر آمده است:

شاعر، حافظه، عالمت، صادقین و ...	وزن فاعل	ثلاثی مجرد	اسم فاعل
هادی، شاکي، ساعي، راعي و ... (فاعي)			
آخر، آسيف، أمير، أجل و ... (أفیل)			
فَال ← كَفَّار، حُرَّاس، تُجَّار و ...			
فَهْمَة ← طَبَّاء، حَمَّاء، كَهْمَة و ...			
فُفَاء ← نُفَّاء، فُفَّاء، صُفَّاء و ...	جمع مكسّر		
م... ← مُفْسِد، مُكَبِّر، مُتَقَدِّم، مُسْتَحْدِم		ثلاثی مزید	

مَعْرُوف، مَشْهُورَة، مَظْلُومِين، مَخْلُوقَات و ...	وزن مفعول	ثلاثی مجرد	اسم مفعول
مَهْدِي، مَرْضِي، مَخْفِي و ... (مفعي)			
مُفَاعِل ← مَفَاهِيم، مَحَاصِل، مَشَاهِير و ...			
مُطَهَّر، مُحْتَرَم، مُنْزَل و ...	جمع مكسّر	ثلاثی مزید	
	م... ←		

وزن فاعل ← عَالِم، سَيَّاح، رَزَّاق، كَلْب، سِتَّار و ...	اسم مبالغه
وزن فاعلة ← قَهَامَة، عَالَمَة، حَنَانَة و ...	

تذکر مصدرهایی که بر وزن «مفاعلة» هستند را با اسم مفعول اشتباه نگیریم، مثلاً «مُجَاهِدَة، مُنَاسَبَة و ...».

تذکر اگر وزن های «فَال» یا «فَهْمَة» بر شغل یا وسیله‌ای دلالت کنند باز هم آن را اسم مبالغه به حساب می‌آوریم: «قَاحَة (درباز کن) - لَاجَة (یخچال) - فَلَاح (کشاورز) - حَجاز (نانوا) و ...»

- پیشخوان** ① اسم تفضیل با چه وزن‌هایی ساخته می‌شود؟
 ② اسم‌های تفضیل خاص کدام‌اند؟
 ③ اسم‌های تفضیل را چگونه ترجمه کنیم؟
 ④ «خیر و شر» چه خاصیت ویژه‌ای دارند؟
 ⑤ اسم مشتق چگونه اسمی است؟
 ⑥ اسم مکان چه اوزانی دارد؟

و حالا در ادامه این بحث می‌خواهیم وزن‌ها و ساختارهای جدیدی را بشناسیم که در ترجمه اسم‌ها تأثیر دارد.

اسم تفضیل

به جملات زیر دقت کنید: ① علی از دوستان خود داناتر است. ② این ماشین زیباترین ماشین‌های جهان است. گاهی می‌خواهیم بین انسان‌ها یا اشیاء، مقایسه‌ای انجام بدهیم تا بدانیم کدام‌یک برتر هستند. در زبان فارسی برای این کار از صفت عالی یا صفت تفضیلی کمک می‌گیریم و در زبان عربی از اسم تفضیل برای این کار استفاده می‌شود.

برای ساخت اسم تفضیل در عربی از وزن‌های زیر استفاده می‌کنیم.

أفْعَل (برای مذکر) ← أَجْمَل (زیباتر، زیباترین)، أَفْضَل (برتر، برترین)، أَكْرَم (گرامی‌تر، گرامی‌ترین) و ...
فُعْلَى (برای مؤنث) ← حُسْنَى، عَظْمَى، دُنْيَا و ...

پس برای نوشتن همان جملات به زبان عربی به روش زیر عمل می‌کنیم:

- ① عَلِيٌّ أَجْمَلُ مِنَ أَصْدِقَائِهِ!
 ② هَذِهِ السَّيَّارَةُ أَجْمَلُ السَّيَّارَاتِ فِي الْعَالَمِ!



تست عین ما لیس فیہ اسم التفضیل:

(۱) ﴿لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾ (۲) الدّٰنیا مزرعة الآخرة! (۳) ﴿و جزاء سیئئة سیئة مثلها﴾ (۴) ﴿ولکن اکثر الناس لا یعلمون﴾
پاسخ گزینه «۳» در این گزینه، کلمه ای بر وزن **أهل** ل یا **هلی** دیده نمی‌شود، ولی در گزینه‌های دیگر:
 گزینه (۱): «حُسْنَى» بر وزن «هَلَى» و اسم تفضیل است. / گزینه (۲): «الدّٰنیا» بر وزن «هَلَى» و اسم تفضیل است. / گزینه (۴): «اکثر» بر وزن «أهل» و اسم تفضیل است.

نکات تکمیلی

۱ اسم‌های تفضیل ممکن است با کمی تغییر ظاهری در جمله حضور پیدا کنند، یعنی با وزن‌های زیر دیده می‌شوند:
 ✓ **أَفَى** ← **أَهَمَّ** (مهم‌تر، مهم‌ترین)، **أَحَبَّ** (محبوب‌تر، محبوب‌ترین)، **أَجَلَّ** (باشکوه‌تر، باشکوه‌ترین) و ...
 ✓ **أَفَى** ← **أَعْلَى** (بالتر، بالاترین)، **أَعْلَى** (گران‌تر، گران‌ترین)، **أَخْفَى** (پنهان‌تر، پنهان‌ترین) و ...
تذکر کلماتی که بر وزن «أَفَعَى» هستند اگر به یک ضمیر متصل شوند، «الف» آن‌ها به صورت کشیده نوشته می‌شود، یعنی به صورت «أَفَعَا» دیده می‌شوند.
مثال **أَذَقَنِي** + کم ← **أَتَفَاكَم**

تست عین عبارة لیس فیها اسم التفضیل:

(۱) من أهما أسباب قطع التواصل بين الناس، الغيبة!
 (۲) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بَيْنَ الْعِبَادَاتِ الْخَفَاهَا!
 (۳) الجهل أشد الأمراض للمجتمع!
 (۴) رأيت إحدى زميلاتي في معرض الكتاب!
پاسخ گزینه «۴» در این گزینه، اسمی که بر وزن «أهل» یا «هَلَى» باشد، دیده نمی‌شود. دقت کنید که «إحدى» با کسر شروع شده و اسم تفضیل نیست.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «أهما» بر وزن «أَفَى» بوده و اسم تفضیل است. / گزینه (۲): «أخفاها» در اصل «أَخْفَى + ها» بوده، پس «أَخْفَى» بر وزن «أَفَعَى» یک اسم تفضیل است. / گزینه (۳): «أشد» بر وزن «أَقَلَّ» یک اسم تفضیل است.

۲ اسم های تفضیلی که بر وزن «أهل» هستند معمولاً بر وزن «أفاعل» جمع بسته می‌شوند.

مثال **أكبر جمع** ← **أكلو** **أعظم جمع** ← **أعظم** **أفضل جمع** ← **أفاضل**

۳ در زبان عربی بیشتر رنگ‌ها و برخی عیب‌ها در حالت مذکر بر وزن «أفعل» و در حالت مؤنث بر وزن «فَعلاء» آورده می‌شود. این کلمات را نباید اسم تفضیل بگیریم.

مثال • **رنگ** ← **أخضو** (خُواء): سبز - **أحمر** (حَمراء): سرخ - **أزرق** (زَرْقاء): آبی - **أصو** (صُواء): زرد و ...
 • **عیب** ← **أحمق** (حَمقاء) - **أعمى** (عَمياء): نابینا - **أبکم** (بُکماء): لال و ...

جمع‌بندی با اطلاعاتی که تا الان به دست آوردیم، با چند نوع «أفعل» آشنا شدیم که هر کدام کاربرد و معنای خاص خود را دارد و باید بتوانیم آن‌ها را در جملات از هم تشخیص بدهیم.

اسم تفضیل	اسم	• با «تر» یا «ترین» ترجمه می‌شود.
		• مؤنث آن بر وزن «فعلی» است.
عیب و رنگ	اسم	• به یک رنگ یا عیب دلالت دارد.
		• مؤنث آن بر وزن «فَعلاء» است.
فعل	فعل	• از باب «إفعال» است.
		• مربوط به صیغه «هو» می‌باشد. مثال ← أرسل، أصبح، أظفر و ...
		• فعل مضارع
فعل مضارع	فعل	• ثلاثی مجرد است.
		• مربوط به «أنا» می‌باشد. مثال ← أذهب، أعلم و ...

مثال ۱ ﴿إني أعلم ما لا تعلمون﴾ ← با توجه به معنای آیه و وجود ضمیر «ی» (من) مشخص می‌شود که «أعلم» فعل مضارع است: «من می‌دانم آن‌چه را که شما نمی‌دانید».

مثال ۲ ﴿هو الذي أرسل رسوله بالهدى﴾ ← با توجه به معنای آیه شریفه و وجود ضمیر «هو» مشخص می‌شود که «أرسل» فعل ماضی است، «او کسی است که پیامبرش را با هدایت فرستاد».

تست عین ما فیہ اسم التفضیل:

(۱) إشتري أبي لأختي الصّ غيرة أساو من هَبّ!
 (۲) ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل!
 (۳) لاعبو هذا الفريق لهم ثوب أخضر!
 (۴) أصبح مطر السمك ظاهرة تُحير الناس!
پاسخ گزینه «۲» «أهل» بر وزن **أهل** بوده و اسم تفضیل به حساب می‌آید.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «أساو» ظاهراً بر وزن «أفاعل» است اما این کلمه، جمع «سوار» به معنای «دستبند» است و اسم تفضیل به حساب نمی‌آید. / گزینه (۳): «أخضو» به معنای «رنگ سبز» است و اسم تفضیل نیست. / گزینه (۴): «أصبح» فعل ماضی و به معنای «شد» است و نباید آن را اسم تفضیل بگیریم.

Hand-drawn vertical text on the right margin.



آخر	آخر	
اسم فاعل	اسم تفضیل	نوع کلمه
پایان	دیگر	ترجمه
أَجْرَة	أَخِي	مؤنث

کلمه «أخو» اسم تفضیل به حساب می آید و مؤنث آن «أخزی» است؛ سعی کنید تفاوت آن را با «آخر» به خاطر بسپارید.

برای مقایسه میان مؤنث ها هم از وزن أَفْعَل استفاده می کنیم.
مثال مریم **أَعْلَمُ** مِن فاطمة.

اما اگر بخواهیم اسم تفضیل را به عنوان صفت یک اسم مؤنث به کار ببریم، غالباً همان وزن **فُعْلَى** کمک می گیریم.

مثال • دانش آموز دیگر

} •	تلمیذ أَخُو	} •
	مَنْكُو	
} •	تلمیذة أَخْرَى	} •
	مؤنث	

برادر بزرگ تر ← الأخ الأكبر
خواهر بزرگ تر ← الأخت الكبرى

تست عین المناسب للفرغ: «أختي..... قمل في المستشفى و تخدم المرضى!»:

۱) الكبير ۲) الآخو ۳) الثاني ۴) الكبرى
پاسخ گزینه «۴» می خواهیم برای «أخت» صفت بیاوریم پس باید صفت آن مؤنث باشد. در بین گزینه ها تنها «الكبرى» مؤنث است: «خواهر بزرگ تر» در بیمارستان کار می کند و به بیماران خدمت می کند.

خبر و شتر

دو کلمه «خیر» و «شتر» با این که بر وزن «أفعل» نیستند اما گاهی اسم تفضیل به حساب می آیند. برای تشخیص این مورد باید طبق دستور زیر عمل کنیم: اگر کلمه «خیر» در جمله، معنای «بهتر یا بهترین» و کلمه «شتر» معنای «بدتر یا بدترین» بدهد، اسم تفضیل به حساب می آید.

مثال • تفكّر ساعةٍ خیرٍ من عبادة سبعین سنة (ساعتی اندیشیدن از عبادت هفتاد سال بهتر است).

در این عبارت «خیر» معنای «بهتر» می دهد پس اسم تفضیل است.

• ﴿مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ (هر کس ذره اندکی خوبی انجام بدهد، آن را می بیند).

در این عبارت، «خیر» معنای «خوبی» می دهد، پس اسم تفضیل نیست.

تست عین ما لیس فیهِ اسم التفضیل:

۱) الوحدة خیر من جلیس السوء! ۲) خیر الناس من له خلق حسن! ۳) من دعاك إلى الخیر فهو صدیقك! ۴) هذا خیر عمل یحبّه الله و رسوله!
پاسخ گزینه «۳» در این گزینه، «خیر» معنای «خوبی» می دهد، پس اسم تفضیل نیست: «هر کس تو را به خوبی دعوت کند، دوست توست». در سایر گزینه ها «خیر» معنای «بهتر» یا «بهترین» می دهد پس اسم تفضیل است:
گزینه (۱): تنهایی بهتر از همنشین بد است! / گزینه (۲): بهترین مردم کسی است که اخلاق نیک داشته باشد! / گزینه (۴): این بهترین کاری است که خداوند و فرستاده اش آن را دوست دارند!

نکات تکمیلی

۱) اگر بعد از «خیر» یا «شتر» حرف «من» آمده باشد، می توانیم بدون ترجمه بگوییم اسم تفضیل هستند.

۲) «خیر» و «شتر» اگر «ال» داشته باشند، اسم تفضیل نیستند.

۳) جمع «خیر»، «أخیار» و جمع «شتر»، «شور» و «أشرار» است.

اسم مکان

اسم مکان به کلمه ای گفته می شود که به «مکان انجام فعل» اشاره می کند. مثلاً «مَعْبَد» یعنی «محلّ عبادت» یا «مَعْرِب» یعنی «محل غروب» یا «مزرعة» یعنی محل «کشت و زرع»!

اسم های مکان بر یکی از وزن های زیر ساخته می شوند:

۱) مَفْعَل ← مَعْبَد (عبادگاه)، مَطْخ (آشپزخانه) و ... ۲) مَفْعَل ← مَدْبَل (خانه)، مَشَق (محل طلوع) و ... ۳) مَفْعَلَة ← مَدْرَسَة، مَزْرَعَة و ...

تست عین عبارة ما جاء فیها اسم المكان:

۱) مقبرة «حافظ» تقع في مدينة شیراز!
۲) هم لا يجعلون في المخزن شيئاً للمحتاجين!
۳) ذلك متجر زميلي و له سراويل أفضل!
۴) ﴿هو أعلم بمن ضل عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين﴾
پاسخ گزینه «۴» در این جمله «مُهتدي» با «م» شروع شده و عین الفعل آن کسره دارد، پس اسم فاعل است؛ اما در گزینه های دیگر به ترتیب، «مقبرة» (بر وزن مَفْعَلَة)، «المخزن» (بر وزن مَفْعَل) و «مَتَجِر» (بر وزن مَفْعَل) همگی اسم مکان هستند.



نکات تکمیلی

- کلماتی که بر وزن «مُعَل، مَعْل، یا مَعْلَة» هستند را با وزن «مُفَاعِل» جمع می‌بندیم. پس برای پیدا کردن اسم های مکان وزن «مُفَاعِل» را هم باید در نظر داشته باشیم. مَزْرَعَة ← مَزَارِع مَعْبَد ← مَعْبِد مَذَل ← مَنَازِل
- اسم‌های مکان ممکن است گاهی تغییراتی در ظاهرشان دیده شود؛ یعنی ممکن است آن‌ها را بر وزن‌های زیر ببینیم: مُفَال ← مَزَار، مَدَار، مَقَام و ... مَعْل ← مَمَر (گذرگاه)، مَفَر (راه فرار)، مَحَل مَقَر و ...

نکته عین ما لیس فیهِ اسم المکان:

- لا تطلب العلم للوصول إلى مناصب دنیویة!
- بعد آیام وجدنا مکاناً مناسباً لبنا بیتنا!
- در این گزینۀ «مَنْبِل» اسم فاعل است چون با «مَنْبِل» شروع شده و عین الفعل آن کسرۀ دارد: «نازل کننده».
- بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): «مَنَاصِب» ← جمع «مَنْصِب» بر وزن «مَعْل» ← اسم مکان / گزینۀ (۲): «مَرَمَى» ← بر وزن «مَفْعَى» ← اسم مکان / گزینۀ (۳): «مکان» ← بر وزن «مُفَال» ← اسم مکان

- اسم‌هایی را که معنای مکان دارند ولی با وزن‌های بالا مطابقت ندارند اسم مکان نمی‌گیریم. پس کلماتی مانند «بیت (خانه)، زقاق (کوچه) و ...» اسم مکان به حساب نمی‌آیند.
- یک نکته مهم این است که گاهی کلماتی که بر وزن «مُفَاعِل» هستند اصلاً معنای «مکان» را در خود ندارند و نباید آن‌ها را اسم امکان بگیریم.

نکته عین عبارت لیس فیها اسم مکان:

- اشتریت بطاقة لأدخل في الملعب الرياضي!
- التزم بكمال الأخلاق لتحصل على رتبك!
- در این گزینۀ «مَكَارِم» با این که بر وزن «مُفَاعِل» است، ولی اصلاً معنای مکان ندارد، پس اسم مکان نیست: «به ارزش‌های اخلاقی پایبند باش تا خوشنودی پروردگارت را به دست بیاوری».
- بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): «مَلْجَب» ← اسم مکان است: «یک بلیت خریدم تا وارد ورزشگاه شوم» / گزینۀ (۲): «مُدَاخِل» ← جمع «مُدْخَل» و اسم مکان است: «این بازار ورودی‌های متعددی دارد که الان بعضی از آن‌ها بسته‌اند» / گزینۀ (۴): «مُحَافِل» ← جمع «مُحَفَل» و اسم مکان است: «حاضرشدن در محفل‌های علمی باعث شد که تجربه‌های زیادی را برای خودم جمع کنم».

اسم مشتق

- در عربی به اسم‌هایی که بر اساس وزن و قاعده خاصی از روی فعل‌ها ساخته می‌شوند، اسم مُشْتَق می‌گویند. پس گروه‌های زیر همگی مشتق هستند:
- اسم فاعل
 - اسم مفعول
 - اسم مبالغه
 - اسم تفضیل
 - اسم مکان
 - صفت مشبّهه
- یادگرفتن صفت‌های مشبّهه طبق کتاب درسی لازم به نظر نمی‌رسد، ولی دانستن آن برای فهمیدن بحث «حال» که در درس ۲ عربی دوازدهم آمده بسیار مفید است، پس بهتر است با آن آشنا شویم:

صفت مشبّهه ← به اسم‌هایی گفته می‌شود که معنای وصفی (صفت) دارند و جزء سایر مشتق‌ها نیستند.

مثال: جَمیل: زیبا - فُحج: خوشحال - کَویم: بخشنده - قَلیق: نگران - کثیر: زیاد و ...

خوب است بدانیم بیشتر کلماتی که بر وزن‌های «فَعیل» یا «فَعِل» هستند صفت مشبّهه‌اند.

پس اگر خواستیم مشتق‌ها را بشماریم یا پیدا کنیم باید دنبال تک‌تک موارد بالا بگردیم.

نکته عین عبارت لیس فیها اسم مشتق:

- الدلائلین ترشد الإنسان إلى مکان غرق سفینة!
- سیستخدم المزارعون شجرة التّفط کسجاص لصیانة ثمراتهم!
- در این گزینۀ «مُعَالَجَة» مصدر است و مصدرها مشتق به حساب نمی‌آیند.
- بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): «مَکَان» بر وزن «مُفَال»، اسم مکان است، پس مشتق به حساب می‌آید. / گزینۀ (۲): «أَعْفَى» ← اسم تفضیل است، پس این کلمه هم مشتق است. / گزینۀ (۳): «مَزَارِع» ← اسم فاعل ثلاثی مزید است و جزء مشتق‌ها در نظر گرفته می‌شود.

کارگاه ترجمه

ترجمه اسم تفضیل

- همان‌طور که گفته شد، اسم تفضیل برای مقایسه استفاده می‌شود؛ پس برای ترجمه آن‌ها از «صفت + تر یا ترین» کمک می‌گیریم: أَجْمَل (زیباتر، زیباترین)، أَعْلَم (داناتر، داناترین) و ... اما برای ترجمه دقیق‌تر این اسم‌ها به موارد زیر دقت کنید:
- اگر بعد از اسم تفضیل حرف «مِنْ» بیاید، آن را به صورت صفت برتر فارسی (صفت + تر) ترجمه می‌کنیم.



کارگاه ترجمه



مثال • نوبی از حص من ثوب صدیقی ← لباس من از لباس دوستم ارزان تر است.

• هل شاهدت أحمل من هذه المنطرة؟ ← آیا زیباتر از این منظره دیده‌ای؟

• اگر همراه اسم تفضیل، یک مضافلیه داشته باشیم، اسم تفضیل را به صورت صفت عالی فارسی (صفت + ترین) ترجمه می‌کنیم.

مثال • أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عُدَّ هَوَاهُ ← برترین مردم کسی است که بر هوا و هوس خود غلبه کند!

• أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَحْفَاها ← بزرگ‌ترین عبادت از نظر پاداش، پنهان‌ترین آن است!

نکته عَنِ اللَّهِ رَجْمَةَ الصَّحِيحَةِ «أَحَبُّ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ غُيُوبِي!»:

(۱) برادر محبوب من کسی است که عیب‌های من را به من بازگوید! (۲) برادرانم را دوست دارم؛ زیرا عیب‌هایم را به من هدیه می‌کنند!
(۳) محبوب‌ترین برادران من کسی است که عیب‌های من را به من هدیه کند! (۴) کسی که عیب من را به من هدیه کند، محبوب‌ترین برادر من است!
پاسخ گزینه «۳» «أَحَبُّ» بر وزن «أَلِي» اسم تفضیل است و چون با مضافلیه یعنی «إِخْوَانِ» آمده، به معنای «محبوب‌ترین» است؛ پس گزینه‌های (۱) و (۲) نمی‌توانند درست باشند. «إِخْوَانِ» و «عیوب»، هر دو، جمع هستند ولی در گزینه (۴) به صورت مفرد ترجمه شده‌اند؛ بنابراین گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

نکات ترجمه‌متن

① قد + فعل مضارع: وقتی حرف «قَدْ» به همراه فعل مضارع بیاید به معنای «شاید، گاهی، ممکن است و ...» است.

مثال • قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا ← ممکن است در بین مردم کسی باشد که از ما بهتر است.

• قَدْ تَضَرَّنَا أَمَلًا الْكَثِيرَةَ ← گاهی آرزوهای زیادمان، به ما ضرر می‌سازد.

② بعض ... بعض:

وقتی دو کلمه «بعض» در کنار هم قرار بگیرند، در ترجمه، از لفظ «یکدیگر» استفاده می‌کنیم.

مثال • يَسْأَلُ بَعْضُ التَّلَامِيذِ بَعْضًا عَنِ مَوْعِدِ الْإِمْتِحَانِ ← دانش‌آموزان از یکدیگر دربارهٔ زمان امتحان سؤال می‌کنند.

• لَا يَغْتَنِبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ← نباید غیبت یکدیگر را کنید.

③ «بَسَّ» و «نِعَمَ»:

کلمه «بَسَّ» معنی «بد است» می‌دهد و برای بیان احساس‌مان دربارهٔ یک عمل زشت یا فرد بد به کار می‌رود.

مثال • بَسَّ الْقَوْلَ الْكَذِبَ ← دروغ، بد سخنی است! • بَسَّ الرَّجُلَ الْكَاذِبَ ← دروغگو، بد مردی است!

کلمه «نِعَمَ» معنی «خوب است» می‌دهد و برای تعریف کردن از یک فرد خوب یا کار پسندیده استفاده می‌شود.

مثال • مُسَاعَدَةُ الْفُقَرَاءِ نِعْمَ الْعَمَلُ ← کمک کردن به فقیران، خوب کاری است!

• نِعْمَ الْمُؤْمِنُ الْمُخْلِصُ ← مؤمن باخلاص، خوب مؤمنی است!

نکته دقت کنید که کلمات «نِعَمَ» و «بَسَّ» به صورت «بهترین» یا «بدترین» ترجمه نشوند.

واژه‌ها

تَابَ زِيْلًا لِقَابٍ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُونَ)
وَأَب: بسیار توبه‌پذیر (در مورد خداوند)، بسیار توبه‌کننده (در مورد بندگان)
وَأَصْلُ: ارتباط
جَادَلٌ: ستیز کرد (جَادَلَ يُجَادِلُ)
حَرَمٌ: حرام کرد (حَرَّمَ، يُحَرِّمُ)
حَسَنٌ: نیکو گردانید (حَسَّنَ، يُحَسِّنُ)
حَفِيٌّ: پنهان
زَمِيلٌ: همکار، هم‌شاگردی
سَاءٌ: بد شد (سَاءَ، يَسُوءُ)
سَاتَرٌ: پنهان‌کننده، پوشاننده
سِعْرٌ: قیمت (جمع: أَسْعَارٌ)
ضَلَّ: گمراه شد (ضَلَّ، يَضِلُّ)
عَابٌ: عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (عَابَ، يَعْيبُ)
عَذَّبَ: عذاب داد (عَذَّبَ، يُعَذِّبُ)

إِنَّقَى: پروا کرد (انَّقَى، يَنْقِي)
أَكْمَلَ: کامل می‌کنم (كَمَّمْتُ، يُكَمِّمُ)
أَثَقَ: سنگین‌تر
إِثْمٌ: گناه
دَعَا: دعوت کن (دَعَا، يَدْعُو)
إِسْتَهْزَأَ: ریشخند کردن (اسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ)
أَسْرَى: حرکت داد (أَسْرَى، يُسْرِئُ)
إِغْتَابٌ: غیبت کرد (اغْتَابَ، يَغْتَابُ)
بَسَّ: چه بد است
بَعْضٌ ... بَعْضٌ: یکدیگر
بَدَّ فَسْجِي: بنفش
تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (تَجَسَّسَ، يَتَجَسَّسُ)
تَخْفِيفٌ: تخفیف
تَسْمِيَةٌ: نام‌دادن، نامیدن (تَسَمَّى، يُسَمِّي)



مَضْنَع: کارخانه
مَ طَبْخ: آشپزخانه
مَ طَبْعَة: چاپخانه
مَطْعَم: رستوران
مَ تَلَب: ورزشگاه
مَ نِزْل: خانه
مُهْتَدِي: هدایت شده
مَيْت: مُرده (جمع: أموات، مَوْتَى)
مِيزان: ترازو (ترازوی اعمال)
نوعِيَة: جنس
نَهِي: بازداشت، نهی کرد (نَهَى، يَنْهَى)

عَسَى: شاید
فُسُوق: آلوده شدن به گناه
فَضْح: رسوا کردن
قَدْ: گاهی، شاید (بر سر فعل مضارع)
كِبَائِر: گناهان بزرگ (مفرد: كَبِيرَة)
كَبْرَة: ناپسند داشت (كَبْرَة، يَكْبُرَة)
لَحْم: گوشت (جمع: لُحُوم)
لَقَب: لقب داد (لَقَّبَ، يُلَقَّبُ)
لَمَزَة: عیب گرفت (لَمَزَ، يَلْمِزُ)
مَتَجَر: مغازه
مَ عُوْن: انبار

المُحَاوَلَة = الإجتِهَاد = السَّعْي (تلاش)
كَب = إثم (گناه)
الكَرِيه = القَبِيح (زشت)
أُرِيدُ = أَطُب (می خواهم)

السَّعْر = التَّمَن (بها)
عَسَى = رُبَمَا (شاید، ممکن است ...)
الإسْتِهْزَاء = السُّعْوِيَة (مسخره کردن)
يَنْهَى = يَمْنَع (منع می کند)

حَرَم (حرام کرد) ≠ أَحَلَّ (حلال کرد)
المَيْت (مُرده) ≠ الْحَيَّ (زنده)
سَاء (بد شد) ≠ حَسُنَ (خوب شد)
أَقَلَّ (کم تر) ≠ أَكْثَرَ (بیشتر)
التَّوَاصَل (ارتباط) ≠ التَّقَاطُع (بُریدن)

بُئِس (چه بد است) ≠ نِعِم (چه خوب است)
الْخَفِي (پنهان) ≠ الظَّاهِر (آشکار)
يَكْرَهُ (ناپسند می داند) ≠ يُحِبُّ (دوست دارد)
صَلَّ (گمراه شد) ≠ إهْتَدَى (هدایت شد)
الرَّخِيس (ارزان) ≠ الغالي (گران)
سوء الظَّن (بدگمانی) ≠ حُسْنُ الظَّن (خوش گمانی)

ترجمه و بررسی جملات درس

ردیف	جمله	ترجمه
۱	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ ﴾	ای کسانی که ایمان آورده اید قومی قوم دیگر را نباید مسخره کند،
		«لا یسخر» فعل نهی غایب است که با کلمه «نباید» ترجمه می شود.
۲	﴿ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ ﴾	شاید که آن ها از ایشان بهتر باشند.
۳	﴿ وَلَا نِسَاءً مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ ﴾	وزنانی، زنان دیگر را (نباید مسخره کنند) شاید که آنان بهتر از ایشان باشند.
۴	﴿ وَلَا تَلْمِ زَوْأًا نَّفْسُكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ﴾	از خودتان (یکدیگر) عیب جویی نکنید و به همدیگر لقب های زشت ندهید.
۵	﴿ بُئِسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ﴾	بد نامی است «الودگی به گناه» پس از ایمان آوردن.
		«بئس» فعلی است که معنای «بد ... است» یا «چه بد ... است» می دهد و متضاد آن «نعم» است: «چه خوب ... است».
۶	﴿ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴾	و کسانی که توبه نکنند از ستمگران هستند.
		این جمله، شرطیه است، برای همین «لَمْ يَتُبْ» به صورت مضارع ترجمه می شود.
۷	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا ﴾	ای کسانی که ایمان آورده اید، از شک و گمان بسیار دوری کنید زیرا برخی از گمان ها گناه اند و جاسوسی نکنید.
		«كثيراً» را در این آیه هم می توانیم به صورت قید ترجمه کنیم و هم مفعول: «از بسیاری گمان ها دوری کنید» یا «از گمان ها بسیار دوری کنید».
۸	﴿ لَا يَغْتَابَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ﴾	از یکدیگر نباید غیبت کنید.
		وقتی دوتا «بعض» کنار هم بیایند، معنی «همدیگر، یکدیگر، ...» می دهند.
		• با این که «لا یغتاب» فعل غایب است ولی به خاطر ضمیر «کم» به شکل مخاطب ترجمه شده است.

Handwritten notes in Persian script on the right margin.



۹	﴿أَيُّ حِبِّ أَحَدِكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّوَّأَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾	آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟ (البته) آن را ناپسند می‌دانید و از خدا بترسید به راستی که خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.
۱۰	قَدْ يَكُونُ بَيْنَ الدَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا.	شاید میان مردم کسی باشد که از ما بهتر است.
«قد» وقتی کنار فعل مضارع به کار برود معنای «شاید، گاهی و ...» می‌دهد ← «قد یكون»: شاید باشد		
۱۱	فَعَلِمْنَا أَنْ يَنْتَعِدَ عَنِ النَّجْبِ وَأَنْ لَا تَكْرَ عِيُوبَ الْأَخْرَبِينَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ أَوْ إِشَارَةٍ.	پس باید از خودپسندی دوری کنیم و با سخنی پنهانی یا با اشاره، عیب‌های دیگران را بیان نکنیم.
۱۲	فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِنْهُ.	امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) گفته است: بزرگ‌ترین عیب این است که از چیزی که مانند آن در خودت هست عیب‌جویی کنی.
۱۳	تَمَخَّنَا الْآيَةَ الْأُولَىٰ وَوَلِيَ وَقَوْلٌ ﴿لَا تَعْيِبُوا الْأَخْرَبِينَ﴾	آیه نخستین ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید.
۱۴	وَلَا تَقْبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُ هَوَاهَا. بَسِ الْعَمَلُ الْأُسُوقُ!	و آنان را با لقب‌هایی که زشت می‌دانند لقب ندهید، بد کاری است «آلوده شدن به گناه».
۱۵	وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.	و هر کس آن را انجام دهد از ستمگران است.
۱۶	إِنِّي فَتَقَدَّ حَرَمَ اللَّهِ تَعَالَىٰ فِي هَاتَيْنِ الْآيَةِ بَيْنَ	بنابراین خداوند بلندمرتبه در این دو آیه حرام کرده است:
۱۷	لَا سِتْرَهُمَا إِلَّا بِالْأَخْرَبِينَ وَتَسْمِيَّتُهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْفَاحِشَةِ.	مسخره کردن دیگران و نام‌گذاری آنان با نام‌های زشت؛
۱۸	سَوْءِ الظَّنِّ وَهُوَ أَتَاهُمْ شَخْصًا شَخْصًا آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.	بدگمانی که آن اتهام‌زدن شخصی به شخصی دیگر است بدون دلیل منطقی؛
۱۹	لَتَجَسَّسَ وَهُوَ مُحَاوَلَةٌ لِمَا كَتَبَ اسْرَارَ الدَّاسِ لِتَضْحِكِهِمْ.	جاسوسی کردن که آن تلاش زشتی است برای کشف رازهای مردم برای رسواکردنشان.
۲۰	وَهُوَ مِنْ كِبَاءِ الرِّذَالِ فِي مَكْتَبِنَا وَمِنْ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.	آن در مکتب ما از گناهان بزرگ و از اخلاق زشت است؛
۲۱	وَالْغَيْبَةُ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُّعِ بَيْنَ الدَّاسِ	و غیبت که از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط در بین مردم است.
۲۲	سَيِّئَةٍ بِعَضِّ الْمَثُورِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَةُ تَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ	برخی از مفسران سوره حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره اخلاق نامیده‌اند.

جملات مهم‌ترین‌ها

ردیف	جمله	ترجمه
۱	خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ عِيُوبَكُمْ.	بهترین برادران شما کسی است که عیب‌های شما را به شما هدیه کند.
«أهدى» فعل ماضی به معنای «هدیه کرد» است.		
• مفهوم عبارت است که بهترین دوست کسی است که عیب‌های ما را به ما تذکر بدهد.		
۲	مَنْ عَتَبَتْ شَهْوَةٌ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبِهَائِمِ.	هر کس شهوتش بر عقل او غلبه کند او بدتر از چهارپایان است.
۳	شَرُّ الدَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ	بدترین مردم شخص دوروست.
۴	﴿جَادِلْهُمْ بَلَّغِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾	با آنان با روشی که نیکوتر است گفت‌وگو کن، زیرا پروردگارت به آن که از راهش گمراه شده آگاه‌تر است.
مفهوم عبارت: «خوش‌خوردی با دیگران و سخن گفتن با نرمی و ادب با آنان»		
۵	يَخْتَلِفُ سِعْرُ هَذِهِ السَّرَاوِيلِ حَسَبِ النُّوعِيَّاتِ.	قیمت این شلوارها براساس جنس تفاوت دارد.
۶	ذَلِكَ مَتَجَرُّ زَمِيلِي لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلِ.	آن فروشگاه دوستم است، او شلوارهای بهتری دارد.
۷	مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ.	هر کس اخلاقش بد باشد خودش را عذاب می‌دهد.
۸	اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي.	خدایا همان‌طور که آفرینش من را خوب انجام دادی، اخلاقم را نیکو گردان.





پیشترها چہا گزینہ کی

واشراکن

۱۰۷۶- عین الخطأ في الفراغات:

- (۱) اَنَّهُم شَخِصٌ لَشَخِصٍ بِدُونِ دَلِيلٍ مُنْطَقِيٍّ! (سوء الظن)
(۲) قَدْ حَرَّمَ اللهُ لِلنَّاسِ! (سوء الظن)
(۳) لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ مِنْ أَسْوَأِ الْأَعْمَالِ (التَّجَسُّسِ)
(۴) إظهار الندامة و السعي لتعويضه هو! (العجب)

۱۰۷۷- عین العبارة التي قد جاءت فيها المتضادتان:

- (۱) مَنْ عَثَّ نَهْوُتُهُ عَنْهُ هُوَ سَوٌّ مِنْ الْبِهَائِمِ
(۲) إِذَا مَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَالُ!
(۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَلْفَى فِي الْمِيزَانِ مِنَ التَّقِيِّ الْحَسَنِ!
(۴) أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِنْهُ!

۱۰۷۸- عین ما جاءت فيه كلمتان متضادتان:

- (۱) إِنْ تَزْرَعُ شَرًّا تَحْصُدُ نَدَامَةً فِي النَّهْيَةِ!
(۲) ﴿وَجَادِلْهُمْ بَالْتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ﴾
(۳) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِالتَّوْحِيدِ مِنْ تَوَّابِ مَا تَعْبَى﴾
(۴) اللهُ يُنْهِي النَّاسَ عَنِ الشُّخْرِيَةِ مِنَ الْآخَرِينَ!

۱۰۷۹- «كَمْ هَذِهِ الْفَسَاتِينُ» - يَخْلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ وَلِكِنِّي أَعْطَيْكَئ!:

- (۱) قِيَمَةُ - الْأَسْعَارِ - التَّخْفِيفِ (۲) نَقُودٌ - التَّوَعِيَاتِ - التَّخْفِيفِ
(۳) سَعْرٌ - التَّوَعِيَاتِ - التَّخْفِيفِ (۴) قِيَمَةُ - الْأَسْعَارِ - التَّخْفِيفِ

۱۰۸۰- عین الخطأ لتكميل الفراغات:

- (۱) الْغَيْبَةُ مِنْ أَسْبَابِ قَطْعِ بَيْنَ النَّاسِ (التَّوَاصُلِ)
(۲) لَا تَسْجُورُوا مِنْ قَوْمٍ آخَرٍ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْكُمْ! (عَسَى)
(۳) إِنَّا مُنِغْنَا عَنْ الْآخَرِينَ لِلْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ! (تَسْمِيَةِ)
(۴) مَنْ حُكْمٌ عَدَبَ نَفْسَهُ! (حَسَنٌ)

۱۰۸۱- عین الخطأ في التضاد:

- (۱) إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ فِي الْوَأْنِ مَا يَضُرُّنَا. أَحَلَّ
(۲) ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ الْمَيِّتُ
(۳) ﴿إِنَّ رَبَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ أَهْدَى
(۴) الْكَلَامُ الْخَفِيُّ فِي الْجَمَاعَةِ قَبِيحٌ لِحُجَّتِنَبْوِهِ. الظَّاهِرُ

۱۰۸۲- عین الخطأ في المتضاد و المترادف:

- (۱) قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ / هَبٌّ = إِهْمٌ
(۲) ضَلَّ ≠ إِهْتَدَى / أَرْسَلٌ = بَعَثَ
(۳) جَلَسَ ≠ قَامَ / عَصَى = أَطَاعَ
(۴) بَعَدَ ≠ قَرَّبَ / قَرَّبَ = هَرَبَ

۱۰۸۳- تَوْجِدُ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّ تَانِ فِي عِبَارَتَيْنِ.....:

- (الف) عَلَيْنَا أَنْ بَتَّعَدَ عَنِ الْعَجَبِ لِأَنَّهُ أَمْرٌ قَبِيحٌ!
(ب) وَجَدَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّ تَانِ فِي عِبَارَتَيْنِ.....
(ج) ﴿لَوْ أَنَّ اللَّهَ سَكِنَتْهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾
(د) إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْغَيْبَةَ فَجَادِلْ مَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ!
(۱) الف و ج (۲) ب و د

۱۰۸۴- عین غير المناسب حسب التوضيحات:

- (۱) الْقِي: اسْمٌ آخَرٌ لِلزَّبْحِ وَالْفَجْرِ!
(۲) الْمَتَجَر: مَوْضِعُ التَّجَارَةِ أَوْ الشَّرَاءِ وَالْبَيْعِ!
(۳) الْفَائِيقُ: الَّذِي خَوَجَ مِنْ طَرِيقِ الْحَقِّ وَتَرَكَ الْقَبْلَ!
(۴) الْخَفِيُّ: مَسْتَوْرٌ وَتَضَادُّ لِلظَّاهِرِ!

۱۰۸۵- عین الصحيح حسب الحقيقة:

- (۱) الْعَجْبُ هُوَ أَنْ يَسْتَرَّ الْإِنْسَانُ عِيُوبَ الْآخَرِينَ وَ لَا يَغْفَلُ عَنْهَا فِي نَفْسِهِ!
(۲) التَّجَسُّسُ هُوَ إِتِّهَامُ شَخِصٍ لِشَخِصٍ آخَرَ!
(۳) يَحْذَرُنَا الْإِسْلَامُ مِنَ الْاسْتِهْزَاءِ بِالْآخَرِينَ وَ يَمْنَعُنَا مِنْ تَسْمِيَتِهِمْ بِالْأَلْقَابِ الْقَبِيحَةِ!
(۴) الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ يَذْكَرَ الْإِنْسَانُ لِأَخِيهِ فِي غَيْبَتِهِ شَيْئًا لَا يَكْرَهُهُ عِنْدَ سَمَاعِهِ!

(كانون فرهنگی آموزش ۹۸)

(كانون فرهنگی آموزش ۹۷)

(سراسری تهرنی ۹۸)

(سراسری انسانی ۹۸)

۱۰۸۶- «..... الْبُضَائِعُ فَالنَّاسُ طَلَبُوا مِنَ الْحُكُومَةِ أَنْ!»: عین المناسب للفراغات:

- (۱) قِيَمَةُ - يَزْدَادُ - تُقَلَّلُهَا
(۲) ثَمَنٌ - كَثُرَتْ - تُمَرَّرُهَا
(۳) أَسْعَارٌ - ارْتَفَعَتْ - تُخَفِّضُهَا
(۴) نَقُودٌ - يَرْتَفَعُ - تُمْنَعُهَا

۱۰۸۷- عین الخطأ:

- (۱) «الغيبه» هي أن نذكر الآخرين بما لا يكرهون!
(۲) «الميت» هو الذي قد خرجت روحه من بدنه و لا يتنفس!
(۳) «التجسس» سعي لمعرفة أمور الآخرين و هو من قبائح الأمور!
(۴) «الحجرات» جمع حجرة، و هي سورة في القرآن مشهورة بالعروس!



ترجمه تعریب و تفهیم



۱۰۸۸- ﴿وَجَادِ لَهُمْ بَلَّيْ هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾

- (۱) با آن‌ها با گفتاری نیکوتر ستیز کن، چرا که پروردگارت همان آگاه‌تر به کسی است که گمراه شده است!
- (۲) با روش‌های بهتر با آنان مباحثه کن، همانا پروردگار نسبت به کسی که از راه گمراه شده است، آگاه‌تر است!
- (۳) با آن‌ها به روشی که خوب است مجادله کن، قطعاً پروردگار تو به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند، آگاه است!
- (۴) با آنان به شیوه‌ای که بهتر است استدلال کن، همانا پروردگار تو به کسی که از راهش گمراه شده، داناتر است!

۱۰۸۹- «هَلْ تَكْرَهُونَ أَكْلَ لَحْمِ أَخِيكُمْ مِمَّا فُلِمَاذَا لَا تَجْتَنِبُونَ مِنَ الْغَيْبَةِ؟»

- (۱) آیا خوردن گوشت برادر مرده خود را ناپسند می‌دانند؟ پس چرا از غیبت پرهیز نمی‌کنند؟
- (۲) چرا ناپسند می‌دانید که گوشت برادران که مرده است را بخورید؟ پس چرا از غیبت اجتناب نمی‌کنید؟
- (۳) آیا خوردن گوشت برادران که مرده است را ناپسند می‌دانید؟ پس چرا از غیبت دوری نمی‌کنید؟
- (۴) آیا از خوردن گوشت‌های برادر مرده‌تان اکراه دارید؟ پس باید از غیبت دوری کنید!

۱۰۹۰- «قَدْ عَلَّمَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ أَهْمَ الْأُمُورِ الْأَخْلَاقِيَّةِ فِي حَيَاتِنَا الْيَوْمِيَّةِ»:

- (۱) خداوند در قرآن کریم کارهای اخلاقی مهم در زندگی روزانه را یاد داده است!
- (۲) خداوند در قرآن کریم یکی از مهم‌ترین امور اخلاقی را در زندگی روزمره‌مان آموزش می‌دهد!
- (۳) خداوند مهم‌ترین امور اخلاق در قرآن کریم را در زندگی روزانه‌مان یاد داده است!
- (۴) خداوند در قرآن کریم مهم‌ترین کارهای اخلاقی در زندگی روزانه‌مان را آموزش داده است!

۱۰۹۱- «يَا سَا تِرْ كُلِّ مَعْيُوبٍ اِقْبَلِ التَّوْبَةَ عَنِّي وَاِزْحَمْنِي، اِنَّكَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ!»:

- (۱) ای پوشاننده هر عیبی، توبه را از من بپذیر و به من رحم کن، همانا تو بهترین رحم‌کنندگان هستی!
- (۲) ای پوشاننده همه عیب‌ها، توبه را از من قبول کن و به من رحم کن که قطعاً تو بهترین مهربانان هستی!
- (۳) ای کسی که هر عیبی را می‌پوشانی، توبه ام را از من قبول کن و به من رحم کن، یقیناً تو از بهترین رحم‌کنندگانی!
- (۴) ای پوشاننده هر عیب، توبه‌ام را از من قبول بفرما و به من رحم نما، همانا تو رحم‌کننده مهربانی هستی!

۱۰۹۲- «أَحَبُّ أَوْلَادِي مَنْ لَا يَعْيبُ وَمَا وَلَكَهُمْ يُهْدُونَ إِلَيْنَا عِيُونَ!»:

- (۱) دوست دارم دوستانم را که از ما عیب‌جویی نمی‌کنند، ولی به ما عیب‌هایمان را هدیه می‌دهند!
- (۲) دوست‌داشتنی‌ترین دوستانم کسانی هستند که از ما عیب نمی‌گیرند ولی ما را در مورد عیب‌هایمان هدایت می‌کنند!
- (۳) محبوب‌ترین دوستانم کسی است که از ما عیب‌جویی نکند ولی به ما عیبمان را هدیه دهد!
- (۴) محبوب‌ترین دوستانم کسانی هستند که از ما عیب‌جویی نمی‌کنند ولی به ما عیب‌هایمان را هدیه می‌دهند!

۱۰۹۳- «عَلَيْنَا أَنْ نَنْصَحَ طَالِبَ السَّخْرِ مِنْ كُلِّ الطَّلَبِ فِي الصَّفِّ حَتَّى يَتَنَبَّهَ»:

- (۱) ما باید نصیحت کنیم دانش‌آموزی را که همه دانش‌آموزان را در کلاس مسخره می‌کند تا آگاه شود!
- (۲) بر ماست که نصیحت بکنیم دانش‌آموزی را که هر دانش‌آموزی را در کلاس مسخره می‌کند تا این‌که بفهمد!
- (۳) باید دانش‌آموزی را که همه دانش‌آموزان را در کلاس مسخره می‌نماید آگاه کنیم و نصیحت کنیم!
- (۴) دانش‌آموزی را که در کلاس همه دانش‌آموزان را مسخره می‌کند باید نصیحت کرد تا آگاه شود!

۱۰۹۴- «قَدْ لَبَّ بَعْضُ زَمَلَانِي صَدِيقِي بَلَقِبَ قَبِيحَ يَكْرَهُهُ، بَسَّ الْعَمَلَ هَذَا!»:

- (۱) گاهی بعضی از هم‌شاگردی‌هایم، دوستم را با لقب زشت لقب می‌دهند که از آن بدش می‌آید. این، کار بدی است!
- (۲) بعضی از هم‌کلاسی‌هایم به دوستم لقب زشتی داده‌اند که آن را ناپسند می‌دانیم. بد کاری است این عمل!
- (۳) بعضی از هم‌کلاسی‌هایم، دوستم را لقب زشتی داده‌اند که آن را ناپسند می‌داند. این، بد کاری است!
- (۴) تعدادی از هم‌کلاسی‌هایم، دوستانم را لقبی ناپسند داده‌اند که آن را زشت می‌شمارند. این، بد عملی است!

۱۰۹۵- عین الخطأ:

- (۱) لا تَعِيْبُوا الْاٰخَرِيْنَ! از دیگران عیب‌جویی نکنید!
- (۲) ﴿وَلَا تَتَّبِعُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّ﴾ و آن‌ها را با لقب‌هایی که از آن اکراه دارند، لقب نمی‌دهند!
- (۳) بسَّ الْعَمَلِ الْفَسُوْقِ بَعْدَ الْاِيْمَانِ! بد کاری است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان آوردن!
- (۴) و مَنْ لَمْ يَتَّبَعْ هُوَ مِنَ الظَّالِمِيْنَ! و هر کس توبه نکند او از ستمگران است!

۱۰۹۶- «قَدْ يَسَخَّرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ اِحْخُوهُمْ وَاَقُولُوا لَهُمْ: يَمْنَعُ الْقُرْآنُ النَّاسَ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ!»:

- (۱) قومی، قوم دیگر را نباید مسخره کند. آن‌ها را نصیحت کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن، مردم را از این کار منع کرده است!
- (۲) گاهی قومی، قوم دیگر را مسخره می‌کند. آن‌ها را نصیحت کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن، مردم را از این کار منع می‌کند!
- (۳) گاهی اوقات گروهی، گروه دیگر را مسخره می‌کند. باید آن‌ها را نصیحت کرد و به آن‌ها گفت: قرآن این کار را برای مردم ممنوع می‌کند!
- (۴) گروهی، گروه دیگر را مسخره کرده است. آن‌ها را نصیحت و سفارش کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن مردم را از این کار دور می‌کند!



۱۰۹۷- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾:

- ۱) کسانی که ایمان آورده‌اند از بسیاری از گمان‌ها می‌پرهیزند؛ زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است!
- ۲) ای کسانی که ایمان آوردید از گمان‌ها بسیار اجتناب کنید؛ زیرا گناه محسوب می‌شود!
- ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است!
- ۴) ای آنان که ایمان آورده‌اید از گمان‌های بسیاری اجتناب کرده‌اند؛ چه، بعضی از گمان‌ها گناه است!

۱۰۹۸- ﴿الَّذِينَ لَا يَتُوبُوا وَنَ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ وَيُغْتَابُونَ الْآخِرِينَ فَهَمَّ فِي عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾:

- ۱) کسانی که از گناهان کبیره توبه نمی‌کنند و غیبت دیگران را می‌کنند پس آن‌ها در عذابی دردناک هستند!
- ۲) کسانی که از گناهان بزرگ توبه نکرده‌اند و غیبت دیگران کرده‌اند، آن‌ها در عذاب دردناک‌اند!
- ۳) هر کس از گناهان بزرگ توبه نکند و غیبت دیگران کند در عذابی دردناک می‌باشد!
- ۴) کسانی که از گناهان کبیره خود توبه نمی‌کنند و از دیگران غیبت می‌کنند در دردناک‌ترین عذاب هستند!

۱۰۹۹- ﴿تَلَوْنَاهُ فِي سُوْرَةِ الْحَجْرَاتِ وَ تَقُولُ: ﴿لَا يَغْتَابُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا﴾:

- ۱) آیات اول سوره حجرات در قرآن، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: گروهی از شما گروه دیگر را غیبت نکند!
- ۲) یکی از آیات قرآن در سوره حجرات، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: بعضی از شما نباید غیبت دیگری را بکند!
- ۳) یکی از آیات قرآن در سوره حجرات، ما را نصیحت کرده و می‌گوید: بعضی از شما غیبت دیگری را نمی‌کند!
- ۴) یک آیه از آیات قرآن در سوره حجرات ما را پند می‌دهد و می‌گوید: نباید از دیگران غیبت کنیم!

۱۱۰۰- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ﴾:

- ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمی، مردم دیگری را مورد تمسخر قرار دهد زیرا ممکن است آن‌ها از ایشان باایمان‌تر باشند!
- ۲) ای آنانی که ایمان آورده‌اید، به مسخره کردن قوم دیگران نپردازید، شاید که آن‌ها از شما بهتر باشند!
- ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی، قوم دیگری را مسخره کند، شاید که آن‌ها از ایشان بهتر باشند!
- ۴) کسانی که ایمان آورده‌اند، نباید مردم دیگری را مسخره نمایند، شاید آن‌ها از ایشان برتر باشند!

۱۱۰۱- ﴿لَا تَجَسَّسُوا فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ لِأَنَّهُ يُسَبِّبُ فَضَحَهُمْ وَ هُوَ مِنَ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ أَلَيْسَ لِي بِغَفْرٍهَا اللَّهُ﴾:

- ۱) در کارهای دیگران دخالت نکنید؛ زیرا سبب رسوایی‌شان می‌شود و آن از گناهان بزرگی است که خداوند آن را هرگز نمی‌بخشاید!
- ۲) نباید در کارهای دیگران تجسس کنید؛ چون دلیل رسوایشان می‌شوید و آن از گناهان کبیره است و خداوند هم آن را نخواهد آمرزید!
- ۳) در کارهای دیگران جاسوسی نکنید؛ زیرا آن سبب رسوایی‌شان می‌شود و از گناهان بزرگی است که خداوند آن را نخواهد آمرزید!
- ۴) در کارهای دیگران تجسس نکنید؛ چه این کار، باعث رسوایی آن‌ها می‌گردد و از گناهان بسیار بزرگ است که خداوند هم شما را نخواهد آمرزید!

۱۱۰۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَىٰ عِلْمِهِ! کسی که دانش مردم را به دانش خویش بیفزاید، از همه داناتر است!
- ۲) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِ رَبِّ الْقُرْآنِ﴾ من تَوَّء ما حَقِّي! بگو به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم از بدترین چیزهایی که آفریده است!
- ۳) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَّنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ! بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد!
- ۴) ﴿فَلْتَرْ لَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ﴾ پس خداوند آرامشی را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد!

۱۱۰۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) مَنْ عَثَرَ شَهْوَتَهُ عَثَرَ نَفْسَهُ فَبُهِتَ مِنَ الْبُهَائِمِ! کسی که شهوتش را بر عقلش مسلط سازد، از چارپایان هم بدتر است!
- ۲) أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِنْ عَيْبٍ بزرگی است که از آن چه همانندش در خودت هم هست، عیب‌جویی نمای!
- ۳) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید!
- ۴) ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ تقوای خدا پیشه کنید، بی‌شک، خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

۱۱۰۴- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) مَنْ سَاءَ عَمَلُهُ عَثَبَتْ نَفْسُهُ! هر کس بد اخلاق باشد، خودش در عذاب خواهد بود!
- ۲) إِنَّمَا يُعِثُّ لِأَنْتُمْ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ! من فقط برانگیخته شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را کامل کنم!
- ۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَلْفَىٰ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْحَسَنِ بِشَيْءٍ چیزى در ترازوی (اعمال) سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست!
- ۴) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَهْتَمُّ لِعِبَادِهِ! دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا، نزد خدا، سودمندترینشان برای بندگانش است!

۱۱۰۵- ﴿قَدْ غِيبَ الْآخِرِينَ بِمَا فِيْنَا مِذَّةً فَهَذَا مِنْ شَرِّ الْأَعْمَالِ الَّتِي يَجِبُ أَنْ يَحْتَنِبَهَا﴾:

- ۱) از دیگران به آن‌چه مانندش در خودمان هست عیب می‌گیریم. پس این کار از کارهای بدی است که ما باید از آن اجتناب نماییم!
- ۲) گاهی از دیگران عیب‌هایی گرفته‌ایم که مانندش در خودمان هم هست. پس این، از بدترین کارهاست و باید از آن دوری کنیم!
- ۳) گاهی از دیگران از آن‌چه همانندش در خودمان هست عیب می‌گیریم. پس این، از بدترین کارهایی است که باید از آن دوری نماییم!
- ۴) شاید از دیگران عیب‌هایی بگیریم که خودمان هم مانند آن را داریم. پس باید از آن دوری کنیم، زیرا از آن بدترین کارها می‌باشد!

کتاب التواضع

۱۱۰۶- «قَدْ يَجْعَلُ اللَّهُ حَيْرَ رَأْفِي شَيْءٍ كَمَا تَكْرَهُهُ فِي دَايَةِ الْأَمْرِ!»:

- ۱) گاهی خداوند در چیزی که در آغاز کار، آن را ناپسند می‌شمردیم، خیری قرار می‌دهد!
- ۲) بی‌شک الله در چیزی که آن را در ابتدای کار ناپسند می‌شماریم، خیری قرار داده است!
- ۳) شاید خداوند در چیزی که در آغاز کار آن را ناپسند شمرده بودیم، خیری قرار داده است!
- ۴) در ابتدای کار، چیزی را ناپسند می‌شماریم که شاید خداوند در آن خیری قرار دهد!

۱۱۰۷- «من ينهض من مكانه ليحل مشاكل جيرانه يعتبر من خير عباد الله...!»:

- ۱) هر کس از جای خود برخیزد و مشکلات همسایگانش را حل کند، بهترین بندگان خداوند است!
- ۲) کسی که برای رفع مشکلات نزدیکانش از جایش برمی‌خیزد، از بندگان خوب خداوند می‌باشد!
- ۳) اگر کسی از جای خویش برخیزد و اقدام به حل مشکلات همسایگانش نماید، از بهترین بندگان خداوند خواهد شد!
- ۴) هر کس از جای خود برخیزد تا مشکلات همسایگانش را حل کند، از بهترین بندگان خدا به حساب می‌آید!

۱۱۰۸- «قَدْ أَكَّدَ عَلَيْنَا أَنْ نَخْسِنَ حُلْمًا فِي التَّوَّاضُعِ مَعَ الْأَخْرَيْنِ فَإِنَّهُ يُؤْتُهُ فِيهِمْ أَكْرَمَ مِمَّا أَقْصَوْا!»:

- ۱) بر ما تأکید شده است که اخلاقمان را در ارتباط با دیگران نیکو گردانیم؛ چه آن بیشتر از آن چیزی که تصور می‌کنیم، بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد!
- ۲) به ما تأکید کرده‌اند که در ارتباطمان با دیگران خوش‌اخلاق باشیم؛ زیرا این کار بیشتر از چیزی که تصورش را می‌کنیم، بر آن‌ها تأثیرگذار است!
- ۳) گاهی بر ما تأکید می‌شود که در ارتباط با دیگران، اخلاقمان را نیکو گردانیم، زیرا آن بر ایشان بیشتر از تصور ما تأثیر می‌گذارد!
- ۴) بر ما تأکید شده است که در ارتباط با دیگران خوش‌اخلاق باشیم؛ چون این کار، تأثیر بسیاری را بر آن‌ها می‌گذارد، بیشتر از چیزی که تصورش را کنیم!

۱۱۰۹- «لَا تَنْدَعِزْ مِنْ عَيْبِ مَنْ تَهَيَّأَ لِإِنِّ الدَّهْرَ يَدُورُ وَ أَنْتَ تُصِيبُ بِمَنْ الْعَيُوبِ الَّتِي كَتَمْتَ تَسْتَعْرِضُهَا ذَاتَ يَوْمٍ...!»:

- ۱) نباید عیب‌های هیچ‌کس را مسخره نمایی؛ زیرا روزگار می‌چرخد و خودت به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره می‌کردی، دچار خواهی شد!
- ۲) هیچ‌گاه عیب‌های کسی را مسخره نکن؛ چه روزگار می‌چرخد و تو به همان عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره می‌کردی، دچار می‌شوی!
- ۳) هیچ وقت عیب‌های دیگری را مسخره نکن؛ چه بسا روز بچرخد و تو هم به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره کرده بودی، دچار شوی!
- ۴) هیچ‌گاه اقدام به مسخره کردن عیب‌های کسی نکن؛ روزگار می‌چرخد و خودت به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره کرده بودی، دچار می‌شوی!

۱۱۱۰- «جاسوسان برای کشف اسرار کشور ما تلاش خواهند کرد، اما ما به آن‌ها اجازه نمی‌دهیم!»:

- ۱) سَيُحَالِي الْجَوَاسِيسُ لِكشْفِ أَسْرَارِ بِلَادِنَا وَلَكِنَّا لَا نَسْمَخُ لَهُمْ! (۲) الْجَوَاسِيسُ سَيُحَالُونَ لِكشْفِ أَسْرَارِنَا فِي الْبِلَادِ وَلَكِن نَحْنُ مَا سَمِخْنَا لَهُمْ!
- ۳) الْجَوَاسِيسُ سَوْفَ يُحَالُونَ لِكشْفِ أَسْرَارِ بِلَادِنَا وَلَكِنَّا لَا نَسْمَخُ لَهُمْ! (۴) يَسْعَى الْجَوَاسِيسُ فِي بِلَادِنَا لِكشْفِ أَسْرَارِنَا وَلَكِنَّا نَحْنُ لَا نَسْمَخُ لَهُمْ!

۱۱۱۱- «معلم زبان عربی، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: کسانی که از دیگران عیب‌جویی کنند در زندگی موفق نمی‌شوند!»:

- ۱) يَنْصَحُنَا مَعْلَمُ الْعَرَبِيَّةِ وَيَقُولُ: الَّذِينَ يَعِيبُ مِنَ الْأَخْرَيْنِ لَا يَنْجَحُ فِي الْحَيَاةِ!
- ۲) نَصَحَنَا مَعْلَمُ الْعَرَبِيَّةِ وَقَالَ: مَنْ يَلْمِزُونَ الْأَخْرَيْنِ لَا يَنْجَحُونَ فِي الْتَهَابَةِ!
- ۳) يَنْصَحُنَا مَعْلَمُ الْعَرَبِيَّةِ وَيَقُولُ: الَّذِينَ يَلْمِزُوا الْأَخْرَيْنِ لَا يَنْجَحُوا فِي حَيَاتِهِمْ!
- ۴) تَنْصَحُنَا مَعْلَمَةُ الْعَرَبِيَّةِ وَقُولُ: مَنْ يَلْمِزُنَ الْأَخْرَيْنِ لَا يَنْجَحُ فِي الْحَيَاةِ!

۱۱۱۲- در مکتب ما تلاش برای کشف رازهای مردم برای رسوا کردن آن‌ها از اخلاق زشت است. «في مکتبنا ..!»:

- ۱) السَّعْيُ لِاكتشاف أسرار الناس للفضح من أخلاق السيئة!
- ۲) المحاولة لِكشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفُضْحِهِمْ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ!
- ۳) محاولتنا لِكشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفُضْحِهِمْ مِنَ الْأَخْلَاقِ الْقَبِيحَةِ!
- ۴) السَّعْيُ لِاكتشاف الأسرار النَّاسِ لِفُضْحِهِمْ مِنَ الْأَخْلَاقِ الْقَبِيحَةِ!

۱۱۱۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) همه شما باید از خودپسندی دوری کنید! عَلَيكُمْ جَمِيعًا أَنْ تَجْتَنِبُوا الْعُجْبَ!
- ۲) دوستان تو باید عیب‌هایت را به تو هدیه کنند! يَجِبُ أَنْ يُهْدِيَكَ أَصْدِقَاؤُكَ عَيْبَكَ!
- ۳) پروردگاران به آن چه در سینه‌هایمان هست، آگاه‌تر است! إِنَّ رَبَّنَا عَلِيمٌ بِمَا فِي صُدُورِنَا!
- ۴) خدایا از تو ممنونم زیرا تو اخلاقم را نیکو گردانیدی! اَللَّهُمَّ اشْكُرْكَ لِأَنَّكَ تُحَسِّنُ حَقِّي!

۱۱۱۴- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) بی‌شک خداوند نسبت به بندگان بسیار توبه‌پذیر است! إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ عَلَى عِبَادِهِ!
- ۲) گناهان کبیره به جز شرک، آمرزیده می‌شوند! ذُنُوبُ كِبَارِ الدُّنُوبِ إِلَّا الشَّرْكَ!
- ۳) دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا، باتقواترینشان هستند! أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ!
- ۴) مدت‌گذشتن بعد از انجام کار نیک، بد عملی است! الْمَنْ بَعْدَ الْقِيَامِ بِحَسَنَةٍ مِنْ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ!

۱۱۱۵- «بیشتر مردم حرف زدن با سخن‌پنهان را در جمع، ناپسند می‌شمارند!»:

- ۱) إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ يَكْرَهُونَ التَّكَلَّمَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ عِنْدَ الْجَمِيعِ!
- ۲) لَا يَجِبُ أَكْثَرُ النَّاسِ أَنْ تَكَلَّمَ بِقَوْلٍ خَفِيِّ عِنْدَ الْجَمَاعَةِ!
- ۳) عَدَدٌ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَا يُحِبُّونَ التَّحَدُّثَ بِقَوْلٍ خَفِيِّ عِنْدَ الْجَمِيعِ!
- ۴) أَكْثَرُ النَّاسِ يَكْرَهُونَ التَّحَدُّثَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ فِي الْجَمَاعَةِ!





۱۱۱۶- «جندی سابور أقدم جامعة في إيران أسس بأمر سابور الملك الساساني و قد كُتِبَ عَ لى رأس بلها: العلم أفضل من الثروة و السيف!»:

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

جندی شاپور

۱) قدیمی ترین دانشگاه ایران است که شاپور، پادشاه ساسانی، فرمان بنیان گذاری آن را داد و بر سردر آن نوشته شده بود: علم بهتر از ثروت و شمشیر است!

۲) دانشگاهی قدیمی در ایران است که به فرمان شاپور، پادشاه ساسانی، بنیان گذاری شد و بر سردر آن نوشته شده بود: علم بهترین ثروت و شمشیر است!

۳) قدیمی ترین دانشگاه در ایران است که به دستور شاپور، پادشاه ساسانی، تأسیس شد و بر سردر آن نوشته شده بود: دانش بهتر از ثروت و شمشیر است!

۴) قدیمی ترین دانشگاه در ایران است که به دستور شاپور، پادشاه ساسانی، تأسیس شد و بر سردر آن نوشته شده بود: دانش بهترین ثروت و شمشیر است!

۱۱۱۷- «نَصَحْنَا أَيَّتَانِ مَبَارَكَاتِنِ فِي سُورَةِ الْحَجَرَاتِ بِتَرْكِ صِفَتَيْنِ: الْأُولَى: عَيْبِ الْأَخْرَيْنِ وَ الثَّانِيَةِ: تَلْقِيبِ النَّاسِ بِأَلْقَابٍ يَكْرَهُنَّ!»: (کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۱) دو آیه مبارک از سوره «الحجرات» ما را به ترک دو صفت دعوت می کند: نخست: عیب جویی از دیگران و دوم: ملقب کردن آنان به صفاتی که بدشان بیاید!
۲) در سوره «الحجرات» دو آیه مبارک ما را سفارش می کند تا دو ویژگی را از خود دور کنیم: اولی: عیب گرفتن از مردم و دوم: دادن لقب های بدی به آنان که خوششان نمی آید!

۳) دو آیه مبارک در سوره «الحجرات» ما را به ترک کردن دو خصلت پند می دهد: اول: عیب جویی کردن از دیگران و دوم: ملقب کردن مردم به لقب هایی که آن ها را ناپسند می دارند!

۴) در سوره «الحجرات» دو آیه ما را از دو صفت باز می دارند: یکی این که از مردم عیب جویی کنیم و دوم آن که به آنان لقب هایی بدهیم که آن ها را ناپسند می دارند!

۱۱۱۸- «يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ! لَا تَغَيَّبُوا النَّاسَ أَبَدًا لِأَنَّ أَحَدَ آيَاتِ سُورَةِ الْحَجَرَاتِ نَصَحْنَا هَكَذَا!»: ای مؤمنان!

۱) هیچ گاه از مردم عیب جویی نکنید، زیرا آیه اول از سوره حجرات به ما این طور اندرز می دهد!
۲) عیب های مردم را هرگز آشکار نکنید، زیرا یکی از آیات سوره حجرات ما را این چنین پند می دهد!
۳) از مردم هیچ گاه عیب جویی نکنید، چون یکی از آیات سوره حجرات به ما این چنین پند می دهد!
۴) عیب های مردم را هرگز آشکار نکنید، چرا که یک آیه از سوره حجرات ما را این گونه نصیحت می کند!

۱۱۱۹- «لَا يَتَعَمَدُ النَّاسُ عَلَى آدِي يَسْتَهْزِئُ بِالْآخِرِينَ وَ لَا يَتَّقِي اللَّهَ!»:

۱) مردم نباید به کسی که دیگران را مسخره می کند، اعتماد کنند و باید از خدا بترسند!
۲) کسی که دیگران را مسخره می کند به مردم اعتماد نمی کند و از خدا پروا ندارد!
۳) مردم نباید به کسی که دیگران او را مسخره می کنند و از خدا پروا ندارند، اعتماد کنند!
۴) مردم به کسی که دیگران را مسخره می کند و از خدا نمی ترسد، اعتماد نمی کنند!
۱۱۲۰- «كَهَبَّتْ إِلَى مَنَجَرٍ زَمِيلِي وَ اشْتَرَيْتُ سُرُو الْأَبْعَدِ اللَّهُ خَفِيضِي بِسَعِّ رِثَسَعِينَ أَلْفَ تَومَانٍ!»:
۱) به مغازه همکارم رفتم و شلواری را بعد از تخفیف به قیمت هفتاد هزار تومان خریدم!
۲) به مغازه همکارم رفتم و شلواری را بعد از تخفیف به قیمت نود هزار تومان خریدم!
۳) به دکن همکارم رفتم و پیراهنی را بعد از تخفیف به قیمت هشتاد هزار تومان خریدم!
۴) به مغازه همکارم رفتم و شلواری را بعد از تولید به قیمت نود هزار تومان خریدم!

۱۱۲۱- عَنِ الْخَطَأِ:

۱) اکتسبت أفضل الدرجات في امتحان اللغة العربية بين زملائي! بهترین نمره ها را در آزمون زبان عربی در میان همکلاسی هایم به دست آوردم!
۲) بیع هذا البائع بضاعه بأدنى الأسعار في مدينتنا! این فروشنده اجناسش را با پایین ترین قیمت ها در شهرمان به فروش می رساند!
۳) السكوت أفضل من أن نذكو عيوب الآخرين في غيابهم! سکوت بهتر از این است که عیب های دیگران را در غیابشان بیان نماییم!
۴) إن الإسلام قد حرم الغيبة، لأنها من أهم أسباب قطع العلاقات! قطعاً اسلام غیبت را حرام نموده است؛ زیرا از سایر عوامل در قطع روابط مهم تر است!

۱۱۲۲- «قَدْ تَابَرَ بَعْضُ النَّاسِ بَعْضَ الْأَخْرَيْنِ بِأَسْمَاءٍ قَبِيحَةٍ وَ قَدْ يَسْتَهْزِئُونَ بِهَمَّ، إِنَّ هَذَا الْعَمَلُ فَسُوقٌ!»:

۱) بعضی مردم به بعضی دیگر، اسامی ناپسندی نسبت داده اند و گاهی آن ها را مسخره می کنند، همانا این کار، به گناه افتادن است!
۲) گاهی برخی مردم به برخی دیگر، نام های زشتی می دهند و گاهی به وسیله آن ها مسخره می کنند، همانا این کار از گناهان است!
۳) برخی مردم به برخی دیگر اسامی زشتی نسبت داده اند و با استفاده از آن ها به تمسخر می پردازند، همانا این کار، به گناه افتادن است!
۴) شاید بعضی مردم به بعضی دیگر، نام های زشتی نسبت بدهند و گاهی آن ها را مسخره کنند، همانا این کار، به گناه آلوده شدن است!

۱۱۲۳- «مَنْ يَذُفُّ فِي عَيْبِ الْآخَرِينَ وَ يَغْلُفُ عَنْ أخطاءِ نَفْسِهِ تَهْتِكُ بِالْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ فِيهَا!»:

۱) هر کس به عیب های دیگران بنگرد و از اشتباهات خود غافل شود، خوی های بد در او آشکار می گردند!
۲) کسی که به تمام عیب ها بنگرد و از اشتباه خودش غافل شود، اخلاق زشت در او نمایان می شود!
۳) هر کس عیب دیگران را نگریست و از اشتباهات خود غافل شد، خوی های بد در او آشکار گردید!
۴) کسی که به عیب دیگران نگاه کند و از خطاهای خود غفلت بورزد، اخلاق زشت در او نمایان خواهد شد!

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)



۱۱۲۴- «أرأيت أشجع من هؤلاء الشباب المجتهدين الذين يقفون أمام أعظم مشاكل حياتهم بالسي و لمقاومة؟!»: آیا

- ۱) دیده‌های شجاع‌ترین جوانان تلاشگری را که با سعی و پایداری در مقابل بزرگ‌ترین مشکلات زندگی خود می‌ایستند؟! (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)
- ۲) شجاع‌تر از این جوانان کوشایی را دیده‌ای که با سعی و مقاومت، فرا روی بزرگ‌ترین سختی‌های زندگی‌شان ایستادگی کرده‌اند؟! (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)
- ۳) شجاعتی بیشتر از شجاعت جوانان تلاشگر را مشاهده نموده‌ای که در برابر مشکلات بزرگ زندگی خود با تلاش و ایستادگی، مقاومت می‌کنند؟! (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)
- ۴) دلیرتر از این جوانان کوشایی را که در مقابل بزرگ‌ترین مشکلات زندگی‌شان، با سعی و مقاومت می‌ایستند، دیده‌ای؟! (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

۱۱۲۵- «لَا تَجِدُ سَوَاءَ فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ لِأَنَّهُ يُسَبِّبُ فَضْحَتَهُمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَاءِ الدُّنُوبِ الَّتِي لَنْ يَغْفِرَهَا اللَّهُ!»:

- ۱) در کارهای دیگران دخالت نکنید، زیرا سبب رسوایی‌شان می‌شود و آن از گناهان بزرگی است که خداوند آن را هرگز نمی‌بخشاید!
- ۲) نباید در کارهای دیگران تجسس کنید، چون دلیل رسوایشان می‌شوید و آن از گناهان کبیره است و خداوند هم آن را نخواهد آمرزید!
- ۳) در کارهای دیگران جاسوسی نکنید، زیرا آن سبب رسوایی‌شان می‌شود و از گناهان بزرگی است که خداوند آن را نخواهد آمرزید!
- ۴) در کارهای دیگران تجسس نکنید، چه این کار باعث رسوایی آن‌ها می‌گردد و از گناهان بسیار بزرگ است که خداوند هم شما را نخواهد آمرزید!

۱۱۲۶- «أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِمَامٌ عَادِلٌ لَأَنَّ النَّاسَ أَشْبَهُ بِإِمْرَائِهِمْ أَخْلَاقًا»:

- ۱) روز قیامت، خداوند پیشوایان عدل‌پیشه را دوست دارد، چون مردم شبیه فرمانروایانشان هستند!
- ۲) محبوب‌ترین مردم نزد خدا در روز قیامت، پیشوایی عادل است، زیرا مردم از جهت اخلاق به حاکمانشان شبیه‌ترند!
- ۳) دوست‌داشتنی‌ترین فرد در پیشگاه خداوند، حاکم عدل‌گستر است، زیرا انسان‌ها اخلاقشان مثل حاکمانشان می‌شود!
- ۴) روز حساب، محبوب‌ترین مردم برای خدا، فرمانروای عادل است، چون آن‌ها از لحاظ خلق و خو به حاکمان شبیه‌ترند!

۱۱۲۷- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) قَالَ الْمَلِمُ لِمَتَلَمَّيْهِ تَكَلَّمُوا مَعَالِيَّ هِيَ أَحْسَنُ! معلم به دانش‌آموزانش گفت که با یکدیگر به وجهی که بهتر است سخن بگویید! (سراسری تهرنی ۹۵)
- ۲) نحن نضلي لله مطلقين المعونة الإلهية منه! ما نماز می‌خوانیم چون از او یاری الهی را خواستاریم!
- ۳) قلب هذا المؤمن كأنه قد فرغ من غير الله! قلب این مؤمن گویی از غیر خدا خالی شده است!
- ۴) جمال العلم و الأدب زينة لا تزول! : زیبایی علم و ادب زینتی است که زایل نمی‌شود!

۱۱۲۸- «إذا أساءك أحدٌ مقابل مروءتك إليه، فلا تخبر الناس بما فعل بك حتى لا تزول المروءة في الدنيا!»:

- ۱) هنگامی که کسی در مقابل جوانمردی‌ات به او، به تو بدی کرد، مردم را از آن چه با تو کرده باخبر مکن تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!
- ۲) آن‌گاه که کسی در برابر جوانمردی تو بدی کرد، به مردم درباره آن چه با تو کرده است، چیزی مگو تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- ۳) چنانچه بدی کردن شخصی به تو در برابر مروءت تو بود، آن را برای مردم دیگر بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- ۴) اگر شخصی مقابل مروءت تو، بدخواه تو بود، آن چه را با تو کرده به دیگر مردم بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!

۱۱۲۹- ﴿عباد الزَّحَمِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُونَ﴾:

- ۱) بندگان رحمان کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می‌روند! (۲) عبادت‌کنندگان رحمانی آنان هستند که بر زمین هموار راه می‌روند!
- ۳) عبادت‌کنندگان خداوند کسانی هستند که آرام بر کره زمین راه می‌سپارند! (۴) بندگان خداوند رحمانی آنان هستند که بر کره زمین به سادگی راه می‌سپارند!

۱۱۳۰- «الغد اله ضيء يتعلق بمن يعرف اليوم و ينتفع به بأحسن وجه!»:

- ۱) فردای روشنی‌بخش از آن کسی است که امروز را بشناسد و از آن به بهترین وجه سود ببرد!
- ۲) فردایی روشن است که متعلق به کسی باشد که امروز را دریافته و نفع خوبی از آن گرفته باشد!
- ۳) فردایی که درخشان است به کسی تعلق دارد که امروزش را می‌شناسد و برترین نفع را از آن می‌برد!
- ۴) فردایی فروزان است که از آن کسی باشد که امروز را بشناسد و به بهترین صورت از آن سود برده باشد!

۱۱۳۱- «أعرض عن هوى نفسك حتى لا يصل ضرره إلى قلبك!»:

- ۱) از هواهای نفس خود اعراض کن تا به دل تو زیان نرساند!
- ۲) از هوای نفس خود روی برگردان تا زیان آن به قلبت نرسد!
- ۳) از خواهش‌های نفسانی خویش پرهیز کن تا ضررش به قلب تو نرسد!
- ۴) از خواهش نفسانی خویش دوری کن تا ضررهایش را به دل تو نرساند!

۱۱۳۲- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) الوالدان يخفق قلبهما لِحَبِّ أولادهما دائماً والدين قلبشان همواره به عشق فرزندانشان می‌تپد!
- ۲) رأيت إقبال أولادنا على التلفزيون قد ازدادا! توجه فرزندانمان را به تلویزیون می‌بینم که زیاد می‌شود!
- ۳) إن أحب الأعمال عند الله آدميها و إن قلت! محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند بادوام‌ترین آن‌هاست، اگرچه اندک باشد!
- ۴) على الانسان أن يتحرر من كل عبودية إلا عبودية الله تعالى! بر انسان است که از هر عبودیتی جز عبودیت خداوند تعالی آزاد شود!

۱۱۳۳- «الأفضل للطالب أن ينتخب فرعه الجامعي بدقة حتى لا يندم في المستقبل!»:

- ۱) دانش‌آموز باید رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!
- ۲) دانش‌آموز خوب، رشته دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می‌کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!
- ۳) بهتر برای دانش‌آموز این است که رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!
- ۴) برای هر دانش‌آموزی بهتر این است که رشته دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعداً دچار پشیمانی نشود!



(سراسری انسانی ۹۰)

۱۱۳۴- «قد تعلمت أن لا أعجل في معاتبة أحد بذنب ارتكبه، فلعل الله أراد أن يغفر ذنبه!»:

- ۱) یاد گرفته‌ام که در سرزنش کردن کسی به سبب گناهی که مرتکب شده عجله نکنم، چه شاید خدا بخواهد از گناه او درگذرد!
- ۲) مرا فهمانده‌اند که نباید در عیب‌جویی از افراد به سبب گناهان آن‌ها تعجیل کنم، چه بسا بخواهد از گناه آن‌ها گذشت کند!
- ۳) فهمیده‌ام که در عیب‌گیری از اشخاص به خاطر گناه‌کردنشان نباید شتاب داشته باشم، چه بسا خدا بخواهد آن‌ها را بیامرزد!
- ۴) به من آموخته‌اند که نباید در سرزنش هیچ فردی به خاطر گناهش عجله کرد، چه شاید آمرزیده‌ی خداوند باشد!

(سراسری انسانی ۹۰)

۱۱۳۵- «زَيُّوا أَنفُسَكُمْ فِي الدُّنْيَا بِمَا يَلِيْقُ لآ خِرْتِكُمْ مِنَ الدُّنْيَا، مَا دَامَت الْفُرْصَةُ بَاقِيَةً لَكُمْ!»:

- ۱) تا فرصت دارید در این دنیا به چیزی مزین شوید که شایسته‌ی آخرت شما است!
- ۲) در این دنیا از خود دنیا آن‌چه را شایسته‌ی شماست برای آخرت بیابید تا فرصت آن را دارید!
- ۳) از خود دنیا برای آخرت خود آن‌چه شایسته است زینت خویش سازید تا فرصتی برایتان باقی است!
- ۴) تا فرصت برایتان باقی است، در دنیا خویشتن را بدان‌چه از خود دنیا شایسته‌ی آخرتتان است بیارید!

(سراسری انسانی ۹۰)

۱۱۳۶- «شعرت بأنّ الشيطان يُقهقهه و يسخر متي عند عصيان ربي!»:

- ۱) گویی شیطان قهقهه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!
- ۲) هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!
- ۳) هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و قهقهه‌ی شیطان واقع شده‌ام!
- ۴) احساس کردم گویی این قهقهه‌ی شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!

(سراسری تهرنی ۸۹)

۱۱۳۷- «يجب أن ننظر في عيوب أنفسنا حتى نغفل عن عيوب الآخرين، لأن من ينظر في عيوب الناس ينس عيوب نفسه!»:

- ۱) فقط باید عیوب خود را ببینیم، زیرا اگر به عیوب مردم نگاه کنیم قطعاً عیب‌های خود را فراموش می‌کنیم!
- ۲) نگرستن در عیوب خود غفلت از عیب‌های دیگران است، زیرا کسی که عیوب مردم را نگاه می‌کند خود را فراموش کرده است!
- ۳) باید در عیب‌های خود بنگریم تا از عیب‌های دیگران غافل شویم، زیرا هر کس در عیب‌های مردم بنگرد عیب‌های خود را فراموش می‌کند!
- ۴) لازم است در عیب‌های خود بنگریم تا این‌که از عیب‌های دیگران غافل شویم، زیرا نگاه‌کردن در عیب‌های مردم فراموش‌کردن عیب خود است!

(سراسری زبان ۸۹)

۱۱۳۸- عین الخطأ:

- ۱) الظلم على الضعيف أقيح الظلم، و هذا العمل مذموم! ظلم بر ضعیف، زشت‌ترین ظلم است و این کار ناپسند است!
- ۲) الزاهدون يجتنبون الخطيئات، و هؤلاء محبوبون عند الله! زاهدان از خطاها دوری می‌کنند و این‌ها پیش خدا محبوب‌اند!
- ۳) الناس يُدنون و قليل من هؤلاء المذنبين يتوبون! مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این‌ها گناهکارانی هستند که توبه می‌کنند!
- ۴) يعبد العابدون الله في الليل المظلم و هذا الليل كيه ترلهم! عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می‌کنند و این شب مانند پوششی برای آن‌هاست!

(سراسری زبان ۸۸)

۱۱۳۹- «أفضل الناس من يبدأ بتأديب نفسه قبل تأديب غيره!»:

- ۱) بهترین مردم آن کسی است که خود را قبل از دیگران تأدیب کند!
- ۲) بلندمرتبه‌ترین مردم کسی است که قبل از دیگری به تأدیب خود بپردازد!
- ۳) فاضل‌ترین مردم آن است که ادب‌کردن نفس خویش را بر دیگران ترجیح دهد!
- ۴) برترین مردم کسی است که قبل از تأدیب دیگری به ادب‌کردن خود بپردازد!

(سراسری ریاضی ۸۷)

۱۱۴۰- عین الصحيح:

- ۱) طوبى لمن يشغله عيبه عن عيوب الآخرين: خوشا به حال کسی که پرداختن به عیب خویش وی را از عیوب دیگران بازدارد،
- ۲) و لا يشغله مقامه و لا يغزه ماله في هذه الدنيا: و در این دنیا مقام او را به خود مشغول نکرد و مال او را مغرور نکرد،
- ۳) و يعظم الله كما عظم الله نفسه: و خدا را بزرگ داشت همان‌طور که خود بزرگ داشته شده،
- ۴) فهكذا إذا مات يكون رسول الله أنيسه! این‌گونه است که زمان مرگ، مونس رسول خدا می‌شود!

(سراسری تهرنی ۸۷)

۱۱۴۱- «يا عباد الله! لا تحزنوا فأنتم في أعلى درجة إن كنتم محبين له!» ای بندگان خدا

- ۱) غم مخورید، چه شما اگر دوستدار او باشید در برترین مرتبه هستید!
- ۲) غمگین مشوید در حالی که در بهترین مراتب هستید اگر دوستدار وی باشید!
- ۳) هرگز غم مخورید، چه شما اگر او را دوست بدانید در بالاترین درجات قرار می‌گیرید!
- ۴) هیچ‌گاه غمگین مشوید در حالی که در بالاترین مرتبه‌اید تا زمانی که دوستدار او هستید!

(سراسری انسانی ۸۷)

۱۱۴۲- عین الخطأ:

- ۱) أليس العلم أحب إليك من الثروة؟ آیا نزد تو علم محبوب‌تر از ثروت نیست؟
- ۲) الله أعلم بما نعمل في كل زمن! خداوند بر آن‌چه در هر زمان انجام می‌دهیم آگاه‌تر است!
- ۳) هذان البلدان أكبر بلدین شاهدتهما! این دو شهر از شهرهای بزرگی هستند که آن‌ها را شناخته‌ام!
- ۴) إن أحسن التلاميذ من يساعدون الآخرين! بهترین دانش‌آموزان کسانی هستند که به دیگران مساعدت می‌کنند!